

آقای معین بر سر دوراهی!

مصطفی مدنی

این سخن صحیح نیست که تحولات اجتماعی وقوع خویش را اخطار نمی کنند. تا دیده ایم، پیش درآمد جامعه متحول را درخشش ستاره ها، در ظلمات شب خیر کرده اند. و امروز در آسمان سیاسی ایران از هرسو ستاره ای ست که با سماجت شب کلنجار می رود. کشوری که در تب تحول می سوزد، قبل از هر چیز خود حکومت را کلافه می کند. اینجاست که حکم حکومتی در رد و پذیرش دوباره آقای معین را به ترفندی نباید گرفت. حتی اگر حيله ای باشد برای روسیاه کردن ایشان و شکاف انداختن در صف مشارکتی ها.

در این نافراری ها سیمای حکومتی را باید دید که شب را با هزارمن استخاره به صبح می رساند. مایه بی آبرویی خویش می شود تا برای آبرو بردن دیگران دست وپائی کرده باشد. خود را به تله می اندازد تا تله بگذرد. شخصیت می سازد تا بی شخصیت کند.

تا قبل از دسته گل تازه مقام رهبری، اکثریت جامعه نسبت به آقای معین بی تفاوت بود یا ایشان را چندان نمی شناخت. حالی که فردا پنجشنبه بیشتر مردم ایران گوش به زنگ خواهند بود که تصمیم آقای معین را بشنوند. بسیاری او را به امتناع از شرکت در انتخابات و پشت کردن به حکم رهبر تشویق می کنند. شمار زیادی از یاران او، دم را غنیمت می دارند و به ایشان سیاست یک مو کنند از خرس را آموزش می دهند. کسانی هم پیدا می شوند که رسم پیروزی ایشان را به چانه زنی در بالا و شرط تعیین بخشیدن به رابطه رهبر و ریاست جمهوری خلاصه می کنند.

امتناع، البته نوعی از ایستادگی ست که به کار آینده می آید. شرکت بی مایه خودکشی سیاسی ست، هم برای آقای معین و هم برای جبهه مشارکت. و چانه زنی با بالا نهایت بی خردی خواهد بود و هیچ تضمینی را موجب نخواهد گشت. آقای معین اگر نخواهد جا پای آقای خاتمی بگذرد، اگر نخواهد بجای دولت مدار پرده دار دولت شود، اگر نخواهد چشم و گوش خویش را بر امواج متلاطم تحول بسته بدارد، آقای معین اگر از این هشت سال درس گرفته باشد، او اگر فتح را بخواهد روی سخن را فقط با مردم باید بگذارد. می باید جائی بایستد که نبض جامعه می زند. هیچ شرطی با هیچ مقام بالائی نیازی نیست. شرط را می باید با مردم گذاشت. طرح بی برو برگرد خواستهائی که جامعه سالیان طولانی ست در تب آنهاست. خواست تغییر قانون اساسی، لغو تمامی مقامات انتصابی و برداشتن شورای نگهبان از بالای سر مردم. آزادی زندانیان سیاسی، آزادی عقیده و بیان، تساوی زن و مرد و... دهها و صدها خواست دیگر که در جهان کنونی ناقابل ترین خواستهائی هستند که حتی در کشورهای عقب مانده تر از ایران ما و در همسایگی ما رو به تامین می روند.

رئیس جمهور هیچ نیازی نیست که همه اینها را وعده بدهد. رئیس قوه مجریه طبق همین قانون اساسی ماقبل تاریخ، مسئول حرمت احاد جامعه، مقابله با حق کشی ها و دفاع از حقوق شهروندان است. آقای معین اگر همین یک را با مردم شرط کند، مردم راه تحول را خود هموار می کنند. آنچه که آقای خاتمی جز تک پرده ای در ماجرای قتل های زنجیره ای، بر آن چشم فرو بست و هر مقام و ارگانی را آزاد گذاشت تا هرگونه که بخواهد هر متفکرو روزنامه نگار و اندیشمند و دانشجو و کارگری را با هر وسیله ای اعم از تحقیر و شکنجه و زندان و مرگ از سرراه بردارد.

تصمیم فردای آقای معین، هرچه باشد با کنش جامعه محک می خورد و صحت و سقم خود را از رای مردم پاسخ می گیرد. فراست به پاسخ جامعه را نیازمند هوش چندانی نیست. جامعه تشنه تحول، نیاز خود را عریان کرده است فقط چشم دیدن باید داشت.

حمله به کارگران شرکت واحد را محکوم می کنیم

روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت مقارن ساعت دو بعد از ظهر بیش از ۳۰۰ نفر از عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به سرکردگی حسن صادقی و با پشتیبانی مالی و تدارکاتی مدیر عامل شرکت واحد اتوبوس رانی با بیش از ۱۲ دستگاه اتوبوس شرکت واحد به سندیکای کارگران نانوا (محل برگزاری جلسات آموزشی هیات موسس سندیکای کارگران شرکت واحد) یورش بردند. مامورین نیروی انتظامی با آگاهی قبلی از موضوع و حضور گسترده در محل، فقط نظاره گر این اقدامات و یورش سبعانه بودند.

عوامل خانه کارگر با رهبری مستقیم روسای کانون عالی و کانون استان شوراهای اسلامی کار، با شکستن در و شیشه های سندیکا، به تخریب اموال و کتابخانه سندیکا پرداختند، اسناد و مدارک هیات موسس سندیکای کارگران شرکت واحد را ربودند، اعضای هیات موسس را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند و یکی از اعضای موثر آن به نام آقای منصور اسانلو را به شدت مضروب کردند که به دلیل بریدن گلو و زبان او، هم اکنون در بیمارستان نیروی انتظامی بستری است.

حسن صادقی رئیس هیات مدیر کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار، در حالیکه جلال سعید منش یکی دیگر از چماقداران خانه کارگر، با چاقو به قصد بریدن زبان و گردن منصور اسانلو (عضو هیات موسس سندیکای شرکت واحد) به او حمله ور شده بود، دست های اسانلو را از پشت نگه داشته و او را در معرض تهاجم دیگران قرار داده بود. ابراهیم مددی یکی دیگر از اعضای هیات موسس، با کمک فرمانده نیروهای انتظامی حاضر در محل توانست جان سالم به در برد. مهاجمین ضمن ایراد خسارت شدید به دفتر سندیکا، همچنین موتور و وسایل دیگر اعضای سندیکا را نیز با خود بردند.

احمدی پنجگی (رئیس هیات مدیره ی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان)، اکبر عیوضی (از خانه ی کارگر)، حسن بهرامی، اسکندر نصیری، مهدوی خواه، علیرضا احمدی، سروندی و جلال سعید منش (از شورای اسلامی کار شرکت واحد) و امانی (مامور حراست شرکت واحد) از جمله دیگر مهاجمین بوده اند، که با حمل پلاکاردهایی با مضمون "سندیکا، پس مانده ی طاغوت" و "مرگ بر منافق" در این سرکوب مشارکت داشته اند.

حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در مورد این حادثه به ایسنا گفته است: «روز گذشته تهران نبودم، اما براساس اعلام وزارت کار سندیکاها جایگاه قانونی ندارند و تنها از طریق برخی رسانه ها مورد استقبال قرار گرفته اند». وی تأکید کرده است: «چنانچه کارگران درگیر در حادثه روز گذشته از اعضای شوراهای اسلامی کار بوده باشند، حق آنها بوده و آنها از کیان خود دفاع کرده اند».

یورش وحشیانه چاقو کشان خانه کارگر به این دلیل صورت می گیرد که در روز اول ماه مه کارگران قاطعانه به کاندیداتوری رفسنجانی و نمایش انتخاباتی کارگزاران وی نه گفتند. همچنین کارگران حمایت خود را از تشکل های مستقل کارگری اعلام داشته، بدین وسیله بی اعتباری خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و دیگر تشکل های رژیم را مورد تأکید قرار داده اند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن محکوم کردن تهاجم وحشیانه خانه کارگر به هیات موسس سندیکای کارگران شرکت واحد، احزاب و سازمانهای سیاسی، تشکل های دموکراتیک، کارگران و فعالین کارگری، آزاداندیشان و روشنفکران را به اعتراض به این تهاجم فرا می خواند.

ما همه نیروهای دمکرات و آزادی خواه در داخل و خارج کشور را فرا می خوانیم تا برای محاکمه علنی عوامل خانه کارگر از هیچ اقدامی فرو گذار نکنند و با دفاع از حقوق سندیکائی کارگران، به ایجاد و گسترش تشکل های مستقل کارگری یاری رسانند.

ما از آقای خوان سوماویا - مدیر کل سازمان بین المللی کار - می خواهیم که در سفر هفته آینده خود به ایران این موضوع را پی گیری کرده و شخص وزیر کار را تحت فشار قرار دهد تا مسئولین این امر و عناصر خانه کارگر مانند حسن صادقی و پنجگی در دادگاهی با حضور وکلای قربانیان این حادثه مورد محاکمه قرار گیرند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۴